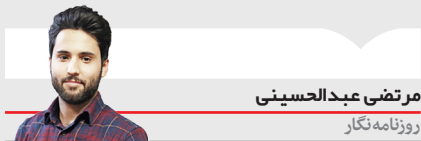




مورد عجیب سبلان پارچه و یادآوری مصائب تولیدکنندگان

ماجرای حبس ۲۴۰۰ بنگاه تولیدی توسط بانک‌ها



مرتضی عبدالحسینی

روزنامه نگار

هفته گذشته «ایسپا» نتایج یک نظر سنجی را در مورد «لزوم دخالت دولت در امور اقتصادی» منتشر کرد که در آن حدود ۸۷ درصد مردم معتقد به نظارت دولت بر قیمت کالاها بودند. این نتایج از آن جهت جالب است که عموم مردم علی‌رغم حمایت از دولت برای جلوگیری از افزایش

قیمت کالاها، چندان با افزایش قیمت سهام، دلار و طلا مشکلی ندارند. در واقع عده‌ای هر آنچه از طلا، سهام و... را که دارند با بالا رفتن قیمتش مشکلی نداشته اما هر آنچه از کالا و دارایی را نداشته، خواهان جلوگیری از افزایش قیمت آن هستند. علت این تفکر مرسوم و البته معقول می‌تواند ضعف بخش عرضه (تولید) باشد. براساس آمارها تنها ۲۵ درصد جمعیت کشور اشتغال داشته که از این بین آن در حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر در بخش تولید اشتغال دارند. همین مساله باعث آن طرز تفکر می‌شود، چراکه اگر بتوان بخش عظیمی از مردم و شاغلان را ذی نفع تولید کرد آنجاست که

می‌توان از توزان منافع سخن گفت. در کشور ما اما تولید به دلایلی در حال آب رفتن است؛ تامین مالی پرهزینه (بالا بودن نرخ بهره بانکی)، بالا بودن نااطمینانی‌های سیاسی، بی‌توجهی دولت (سیاستگذار) و تفکر سنتی بخشی از تولیدکنندگان از عوامل ورشکسته و تعطیل شدن بسیاری از کارخانه‌ها و بنگاه‌هاست. در اقتصاد کشور تنها تولید کننده‌های بسیار بزرگ و دولتی یا شبه‌دولتی هستند که با حمایت دولت می‌توانند از ورشکسته شدن نجات یافته و بحران‌های اقتصادی را پشت سر بگذارند اما تولیدکننده‌های کوچک و متوسط عمدتاً مجبور به کناره‌گیری هستند.

براساس آمار تنها ۶ درصد از تسهیلات بانکی در سال ۹۸ به کارخانه‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط داده شده و مابقی یا به شرکت‌های بزرگ دولتی یا به شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها (برای فعالیت در بخش غیرمولد مثل سهام، مسکن و...) داده شده است. جالب است که علاوه بر کم‌توجهی دولت و سیستم بانکی به این بخش، نرخ بهره تسهیلات آنها نیز بالا و در حدود ۱۸ درصد است. بخشی از شرکت‌های تولیدی با بروز بحران‌های اقتصادی مثل تورم، بحران‌هایی که اتفاقاً سیستم بانکی یکی از دلایل بروز آن است، از پس ایفای تعهدات بانک‌ها بر نمی‌آیند و در نهایت مجبور به

تعطیلی و تحویل مالکیت به بانک می‌شوند. مورد «سبلان پارچه» که پس از سفر سیدابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه به اردبیل مطح شد، یکی از این موارد است. این شرکت وام ۴۱۹ میلیاردی خود را در سال ۸۶ پس نداده و ارزش این بدهی با جریمه دیرکرد‌ها حالا به حدود ۱۳۰۰ میلیارد تومان یعنی بیش از ۳ برابر رقم اولیه رسیده که در نهایت کار به دراختیار گرفتن مالکیت این کارخانه معروف توسط بانک تجارت کشیده است. «فرهیختگان» در این گزارش به بهانه بحث‌های پیش آمده در مورد «سبلان پارچه» به مصائب تولید و تولیدکنندگان در کشور پرداخته است.

مورد عجیب سبلان پارچه

یکی از پرونده‌های بسیار مهمی که در سفر سیدابراهیم رئیسی، ریاست قوه قضائیه به اردبیل مطرح شد، شرکت سبلان پارچه و مصائب این شرکت در سال‌های اخیر بود. مطالبه اصلی بخشی از سهامداران و مالکان این شرکت در این دیدار رسیدگی به وضعیت این شرکت و رهایی آن از تملک بانکی بود. داستان از این قرار است که شرکت سبلان پارچه یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید لباس در کشور بوده که حدود ۱۰ سال پیش ظرفیتی در حدود ۶۰۰۰ کارگر داشته است. ورودی این شرکت مدرن پنبه بوده که پس از چند مرحله اجرای مکانیسم‌های صنعتی لباس‌های صادراتی با کیفیتی را تولید می‌کرده. براساس صورت‌های مالی بانک تجارت و همچنین طبق اعلام سهامداران، شرکت سبلان پارچه در سال ۱۳۸۶ جهت توسعه و به‌روز کردن خط تولید خود اقدام به دریافت وام از بانک مذکور می‌کند. اصل این وام ۴۱۹ میلیارد تومان بوده که با مجموع سود و هزینه‌های دیرکرد آن به ۱۳۰۰ میلیارد تومان در انتهای سال ۱۳۹۸ رسیده است. سهامداران پس از دیدار با رئیس قوه قضائیه از کاهش نیروی کار این شرکت به ۶۰۰ نفر سخن گفتند و از تسهیلات دهی و همچنین اداره این شرکت توسط بانک که سبب کاهش بازدهی آن شده است، سخن گفتند. بعد از این بود که بانک تجارت طی نامه‌ای به قوه قضائیه اعلام کرد اقدام غیرقانونی در این پرونده از سوی بانک رخ نداده و تصریح‌ها از گردن بانک ساقط بوده چرا که این شرکت و اعضای تصمیم‌گیر بودند که با پیش‌بینی‌های اشتباه‌شان کار را به اینجا رساندند. بانک تجارت در بخشی از نامه خود، ماجرا را این گونه شرح می‌دهد: «شرکت سبلان پارچه در سنوات قبل از تسهیلات ارزی صندوق ذخیره ارزی و تسهیلات ریالی استفاده کرده که به دلیل عدم ایفای تعهدات، بدهی شرکت به عهده تعویق درآمده و به دلیل سوءمدیریت شرکت و مشکلات ایجاد شده ناشی از عدم پرداخت حقوق کارگران و طلبکاران شرکت در استان و علی‌رغم میل بانک در سنوات گذشته براساس تصمیم شورای تامین استان اداره کارخانه به بانک تجارت واگذار شد. بانک تجارت و سبلان پارچه تنها نمونه‌ای از درگیری‌های تولیدکنندگان با طرف‌هایی چون بانک و... است که قطعاً اولین آن نبوده و با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، آخرین آن نیز نخواهد بود. اما به راستی در اقتصاد ایران چه نهاد یا چه سیاستی است که ضربه گیر تولید و کاهش دهنده انگیزه تولیدکنندگان است؟

۲۴۰۰ بنگاه در تملک بانک‌ها

شرکت سبلان پارچه را می‌توان نمونه‌ای از چندین هزار بنگاه و کارخانه تولیدی در کشور دانست که با شروع دهه ۹۰، دچار مشکلات مالی شده و با ایفا نکردن تعهدات خود در نهایت مجبور به تعطیلی و اعلام ورشکستگی شده‌اند. دهه ۹۰ که دهه بروز آسیب‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی است، سرنوشت تلخی را برای بخش‌های تولیدی به بار آورده، به‌طوری که بسیاری از آنها یا به مرز نابودی و تعطیلی رسیده یا تحت تملک بستنانکاران خود قرار گرفته‌اند. در ایران با توجه به مرسوم بودن تامین مالی از طریق دریافت وام بانکی، نام بسیاری از شرکت‌های ریز و درشت در ریف بدهکاران سیستم بانکی دیده می‌شود. این نوع تامین مالی هر چند از انواع دیگر آن سهل تر است اما ظاهراً با

پدیدار شدن آسیب‌های اقتصادی که تمامی بنگاه‌ها را نیز متوجه خود خواهد کرد، تلخ‌ترین سرنوشت را برای آنها رقم خواهد زد. هفته گذشته حسین سلاح‌پوری، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران با اشاره به اینکه حدود دوهزار و ۴۰۰ بنگاه تملیک شده در کشور داریم، اعلام کرده است: «از این تعداد حدود هزار و ۷۵۰ واحد داخل شهرک‌های صنعتی و مابقی در خارج از شهرک‌ها هستند.» همچنین در روزهای اخیر معاون قضایی دادستان کل کشور، درباره سرنوشت دوهزار بنگاه تولیدی تملک‌شده توسط بانک‌ها عنوان کرده است: «تعداد قابل‌توجهی از این واحدها به آشنایان پزندگان تبدیل شده‌اند.» این درحالی است که نمایندگان سیستم بانکی بارها عنوان کرده بودند نه تنها هیچ کارخانه یا شرکتی تحت تملک سیستم بانکی نبوده بلکه، خود بانک‌ها نیز علاقه‌ای به مالکیت آنها نخواهند داشت. قطعاً محدودیت‌ها و ایجاد بحران‌های تولیدی تنها از جانب بانکداران نبوده و عواملی چون کوتاهی سیاستگذار در ارائه تسهیلات، التهابات ارزی و اقتصادی و بعضاً سوءمدیریت بنگاه‌ها نیز در آن تأثیر عمیقی داشته است. اما نکته مهم عایدی این چرخه است که در نهایت علاوه بر ایجاد ضعف در مسیر اقتصادی باعث بیکاری، تعدیل نیروی کار یا دست کم کاهش دستمزد حقیقی نیروی کار (کاهش دستمزد حقیقی به معنی عدم افزایش حقوق نیروی کار به اندازه تورم اقتصادی موجود) از سوی تولیدکننده‌ها می‌شود.

بانک‌ها و دولت دیواری برای تولیدکنندگان

تولید ناخالص داخلی ایران در سال‌های اخیر در حال کاهش بوده و رشد منفی اقتصادی ایجاد کرده است. مثلاً زمانی که گفته می‌شود اقتصاد ایران در بخش غیرنفتی در سال ۹۸ در حدود ۵۳ درصد رشد منفی داشته به این معنی است که اگر این اقتصاد در سال ۹۷ قادر به تولید ۱۰۰ واحد کالا یا خدمت بوده، در حال حاضر ۹۷ واحد را می‌تواند تولید کند. بنابراین واضح است که لازمه اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی، تولید و پیش شرط آن

ترتیب و تشویق تولیدکنندگان است. اگر بتوانیم خود را جای یک تولیدکننده بگذاریم خواهیم دانست تولیدکننده بودن در اقتصاد که شوک‌های بین‌المللی، مشکلات اقتصادی داخلی و... که هزارچند گاهی دامن آن را می‌گیرد چگونه راه را بسته‌اند. حالا در این تلاطم‌ها هرچه کوچک‌تر باشی زودتر شکست خواهی خورد. به‌طور کلی اگر بخواهیم مصائب تولید را از زاویه دید آنها بررسی کنیم، می‌توانیم عنوان کنیم اولاً تامین مالی بنگاه و کارخانه‌ها در کشور کار سختی است، مخصوصاً اگر پای کارخانه‌ای وسط باشد که نه دولتی است و نه پای خصولتی‌ها به آن باز است. این کارخانه‌ها از انواع روش‌های تامین مالی در دنیا، انتشار اوراق بدهی را که ندارند و برای ورود به بازار سرمایه نیز با قوانین عجیب و غریبی روبرو هستند. در ظاهر راهی به‌جز تامین مالی از سیستم بانکی یا عقود اسلامی این سیستم نیست. پیش‌تر دیدیم استقراض از بانک و پس از آن بروز بحران‌های اقتصادی چگونه چنین روش تامین مالی را به ورشکستگی ختم می‌کند. نکته جالب آن است که بنگاه‌ها عمدتاً در شوک‌های ترمی قدرت خود را از دست می‌دهند که سیستم بانکی خودش یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن تورم و شوک‌های سنگین آن است. بنابراین مورد اول از مصائب تولیدکننده بودن را می‌توان در نوع تامین مالی و انواع تسهیلات دهی سیستم بانکی (با بهره‌های سنگین) خلاصه کرد. مورد دوم اما نااطمینانی‌های اقتصادی و ریسک‌های سیاسی است که در نهایت به صورت التهابات اقتصادی برای تولیدکننده آنها نمود پیدا می‌کند. بالا رفتن نرخ ارز، بی‌ثباتی قیمت‌ها و قابل‌پیش‌بینی نبودن وضعیت اقتصادی از این دست به‌شمار می‌آید. سیاستگذار و رفتار او در قبال تولید از دیگر عوامل بی‌انگیزگی در بخش تولید ایران است. در اقتصاد کشور تولیدکننده بیشترین مالیات را پرداخت کرده و نمی‌تواند مانند دیگر دلال که هیچ مالیاتی بابت خرید و فروش کالا نمی‌دهد، از زیربار مالیات‌ها فرار کند. بخش اعظمی از درآمدهای مالیاتی کشور پس از مالیات بر درآمد و دستمزد بر دوش تولیدکنندگان است. سیاستگذار



همچنین علاقه‌ای به کمک تسهیلاتی مخصوصاً به بنگاه‌های کوچک و متوسط ندارد و با توجه به شرایط اقتصادی عمده درآمد خود را خرج توسعه صنایع دولتی می‌کند. (کمک به ایران خودروسایا) مورد چهارم اما متوجه تولیدکنندگان خواهد بود. علاوه بر سه عامل پیشین، مشاهده شده است بسیاری از کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی با بی‌تدبیری و یا اشتباه مالکان و تصمیم‌گیرندگان خود به تعطیلی کشیده شده‌اند. بخشی از کارگاه‌های کوچک و متوسط ایران دارای تصمیم‌گیرندگانی است که عمدتاً به‌طور سنتی فکر کرده و بدون مشورت اقدام به اجرای آن می‌کنند.

سهم ۳۷ هزار بنگاه کوچک و متوسط از تسهیلات بانکی فقط ۶ درصد

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد اصلی‌ترین مانع در ادامه حیات بنگاه‌های کوچک و متوسط را می‌توان مشکل تامین مالی دانست. لازم به ذکر است شکاف مالی بین بنگاه‌های کوچک و متوسط و بانک‌ها در اغلب بازارهای مالی دنیا وجود دارد، اما این شکاف در ایران بسیار بیشتر از سایر کشورهاست. اولین قدم برای پرداختن به مشکل تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط داشتن اطلاعات آماری دقیق از وضعیت تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط است که متأسفانه در کشور این آمار موجود نیست. اما داده‌های منتشرشده از سوی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸ حاکی از تامین مالی ۳۷ هزار و ۴۶۲ بنگاه اقتصادی کوچک و متوسط با تخصیص مبلغی معادل ۵۴ هزار و ۷۰۳ میلیارد تومان توسط شبکه بانکی است که تنها ۶ درصد از کل تسهیلات ارائه‌شده در این سیستم را شامل می‌شود. این درحالی است که تنها ۵٫۵ درصد از کل تسهیلات اعطایی از سوی سیستم بانکی در سال ۹۸ را که حدود ۹۷۰ هزار میلیارد تومان است، تشکیل می‌دهد. از طرفی براساس دستورالعمل‌های بانک مرکزی بنا بوده است حداقل ۱۰ درصد از تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در اختیار بنگاه‌های کوچک

و متوسط قرار بگیرد که این مساله نه تنها در سال ۹۸، بلکه در سال‌های قبل‌تر نیز رعایت نشده است. براساس آمار در سال ۹۷، درحالی ۱۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات به این بنگاه‌ها اعطا شده که کل تسهیلات سیستم بانکی حدود ۷۷۳ هزار میلیارد تومان بوده است. همچنین در سال ۱۳۹۶ از کل ۶۱۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی کشور ۱۹٫۵ هزار میلیارد تومان آن به بنگاه‌های کوچک داده شده و در سال ۱۳۹۵ نیز از کل ۵۴۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی کشور ۱۶٫۸ هزار میلیارد تومان به این بنگاه‌ها اختصاص داده شده است. بنابراین مشخص است بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور که حدود ۸۰ درصد اشتغال کشور را تامین می‌کنند طی سال‌های اخیر و به‌ویژه در دوسال ۹۷ و ۹۸ که جزء سخت‌ترین سال‌های اقتصادی کشور بوده، تنها کمتر از ۶ درصد از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی را دریافت کرده و در عین حال آسیب‌های فراوانی دیده‌اند. این درحالی است که با توجه به رونق بازار سهام علاوه بر تامین مالی از سوی سیستم بانکی، تامین مالی از سوی بازار سهام نیز باید مورد توجه سیاستگذاران قرار بگیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در شرایط کرونایی اقتصاد کشور و همچنین فشارهای تحریمی، نجات بنگاه‌های کوچک و متوسط با استفاده از نظام بانکی و بازار سهام در دستور کار قرار گیرد و هرچه زودتر از آب رفتن این بخش بزرگ اقتصاد کشور جلوگیری شود. با وجود اینها و سهم کم تولیدکنندگان مخصوصاً تولیدکنندگان کوچک و متوسط از تسهیلات بانکی جالب است که برخی بانک‌ها تسهیلات کلانی را در اختیار شرکت‌ها و بنگاه‌های خودی می‌گذارند که با مشغول واردات هستند یا در واسطه‌گری فعالیت دارند.

نرخ تسهیلات بانکی تولید در ایران

۲/۵ برابر میانگین جهانی

در جدول یک تصویری از وضعیت تامین مالی در کشورهای متفاوت و نرخ بهره تسهیلات آنها آمده است. مطابق داده‌های این جدول، در میان کشورهای مورد بررسی، سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از کل تسهیلات بانکی از حدود ۱۳ درصد تا ۶۵ درصد متغیر است. علت تمرکز روی بنگاه‌های کوچک و متوسط، توجه بیش از حد دولت به شرکت‌های بسیار بزرگ در کشور است. براساس آمارها در ایران نیز در سال ۱۳۹۸ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از کل تسهیلات پرداختی بانک‌ها، تنها ۶ درصد بوده که این مقدار نسبت به کشورهای مورد بررسی همچون ترکیه (۳۳٫۲ درصد) کمتر است. این در حالی است که سهم این بنگاه‌ها از تسهیلات بانکی در حداقل سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ حدود ۲۷ درصد در ایران بوده است اما در حال حاضر با بی‌توجهی دولت و سیستم بانکی به حدود ۶ درصد رسیده است. علاوه بر کاهش توجهات به بخش تولید مخصوصاً بنگاه‌های کوچک و متوسط که براساس آمار ۷۹ درصد اشتغال (۱۹ میلیون) جمعیت شاغل ایران را برعهده دارند، این تسهیلات بارخ بهره‌ی بالایی نسبت به میانگین جهانی در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌گیرد. براساس آمار میانگین نرخ بهره، تسهیلات پرداختی به بنگاه‌ها در کشورهای مورد بررسی در حدود ۷ درصد بوده است. این در حالی است که تسهیلات بانکی با بهره ۱۸ درصد به بنگاه‌های کشور داده می‌شود.

وضعیت تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط ایران و کشورهای منتخب و همچنین نرخ بهره تسهیلات این بنگاه‌ها				
ردیف	کشور	سهم SME از کل تسهیلات بانکی	نرخ تورم موردنظر	نرخ بهره تسهیلات بنگاه‌های SME
۱	ترکیه	۳۲	۴	—
۲	برزیل	۳۶	۴	۲۲
۳	ایران	۶	۳۵	۱۸
۴	مکزیک	۳۵	۲	۱۸
۵	اندونزی	۲۰	۲	۱۳
۶	گرجستان	۴۵	۳	۱۲
۷	روسیه	۱۴	۷	۱۰
۸	شیلی	۲۰	۲	—
۹	مالزی	۵۱	—	۷
۱۰	استرالیا	۳۰	۲	۵
۱۱	یونان	۵۴	۱	۵
۱۲	چین	۶۴	۲	۵
۱۳	آمریکا	۱۷	۱	۵
۱۴	کره جنوبی	۸۱	۲	۴
۱۵	لهستان	۵۴	۱۱	۳
۱۶	انگلستان	۳۴	—	۳
۱۷	مجارستان	۶۲	۳	۲
۱۸	اتریش	۷	۲	۱
۱۹	فرانسه	۲۱	۲	۱

